

## تعاریف آماری چند مفهوم تولیدی

مطابق تعریف مرکز آمار ایران، هزینه‌های تولید شامل هزینه‌های جبران خدمات مزد و حقوق‌گیری (بیمه و دستمزد و مزایا)، مالیات و عوارض پرداختی، داده‌های صنعتی (مواد خام و اولیه، ابزار و لوازم و ملزومات کم‌دوام مصرف‌شده، ارزش سوخت مصرف‌شده، ارزش برق و آب خریداری‌شده، ارزش مواد و قطعات مصرف‌شده جهت ساخت یا ایجاد اموال سرمایه‌ای و پرداختی بابت خدمات صنعتی)، تشکیل سرمایه، پرداخت‌های غیرصنعتی (دریافتیها و پرداختی‌ها بابت خدماتی از قبیل اجاره ساختمان، اجاره ماشین‌آلات، ارتباطات، مخابرات، حمل و نقل، خدمات حسابرسی و...) است.

یکشنبه ● ۲۱ آبان ۱۳۹۶ ● شماره صد و بیست و هشت

ا ت ی چ ع ح ن و

## چشم‌پوش

خبرها و نظره‌های تأمین اجتماعی

کارشناسان می‌گویند ارائه آمارهای غیرواقعی از سهم هزینه‌های بیمه‌ای در تولید نه‌به‌نفع کارفرمایان است و نه کارگران

# بزرگ‌نمایی هزینه‌های تولید



● مسعود شاه‌حسینی ●

● روزنامه‌نگار ●

رکود باشد یا رونق، در حوزه صنعت باشد یا کشاورزی و خدمات، تفاوتی ندارد؛ مشکلات تولید در ایران، بر کسی پوشیده نیست. بنگاه‌ها و کارگاه‌های کوچک و بزرگ، هر کدام خواسته یا ناخواسته با مسائلی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که مختص به امروز و دیروز نیست. حتی اگر از خودشان بپرسید که در سید هزینه‌های ماهیانه یا سالیانه آنها چه عاملی بیش از بقیه خرج روی دستشان می‌گذارد، بدون شک، یکی از اولین عوامل، سهم بالای هزینه نیروی انسانی است که دستمزد و حق بیمه‌ها را هم دربر می‌گیرد. آمارها نشان می‌دهند سهم حق بیمه‌های پرداختی کارفرمایان که با نام «جبران خدمات مزد» شناخته می‌شود، به‌طور میانگین ۰/۷ درصد هزینه‌های آنها را در برمی‌گیرد و آن‌طور که ادعا می‌شود، بالا نیست. حال سوال این است که هزینه‌های جبران خدمت، چه مقدار از ارزش افزوده‌ای را که ایجاد می‌شود، شامل می‌شوند؟ آیا سیاست‌های کاهش حق بیمه پرداختی کارفرمایان، به بهبود اوضاع کسب‌وکار کمکی می‌کند؟

#### ■ اثر متقابل بازار کار و تأمین اجتماعی

پیش از آنکه مفصل‌تر به این پرسش‌ها بپردازیم، باید تأکید کنیم سازمان تأمین اجتماعی و بازار کار بر یکدیگر اثرگذارند که البته در این باره دو دیدگاه از دو طیف مختلف وجود دارد. برخی با استناد به ماهیت و چیستی تأمین اجتماعی که صندوقی بیمه‌گر اجتماعی است، کارکردهای آن را در ایجاد امنیت‌خاطر برای نیروهای کار درنظر می‌گیرند و به آثار مثبت آن بر بازار کار اعتقاد دارند. گروهی دیگر نیز حق بیمه‌های پرداختی کارفرمایان را به این سازمان می‌نگرند و بر این باورند که سازمان تأمین اجتماعی، بر بازار کار اثراتی منفی گذاشته است؛ به‌خصوص آنکه در دهه‌اخیر، با افزایش تقاضای بازار کار و موفق نبودن سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت‌ها برای تخصیص مشاغل به تناسب نیازها، فشارها بر تأمین اجتماعی به مثابه یکی از متغیرهای مداخله‌گر در بازار کار، به‌خصوص در میان کارفرمایان افزوده شده است. کارفرمایان می‌گویند هزینه‌های آنها در فرآیندهای تولید، روزبه‌روز بیشتر می‌شود و در این میان هم حق بیمه‌های پرداختی، سهم زیادی در هزینه‌های تمام‌شده آنها دارد؛ به‌ویژه آنکه در سال‌های اخیر شاخص‌های سهولت کسب‌وکار، به کانون توجه دست‌اندرکاران اقتصادی بدل شده است.

#### ■ بیمه اجباری، در میان شش مانع سهولت کسب‌وکار!

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، همه‌ساله از سال ۸۹ به این طرف، مولفه‌های محیط کسب‌وکار کشور را ارزیابی می‌کند. در این ارزیابی‌ها که از طریق مصاحبه با ۱۳۲ تشکل اقتصادی شامل اتاق‌های بازرگانی، کانون‌های عالی کارفرمایی، خانه‌های صنعت و معدن، شورای اصناف و ... صورت می‌گیرد، «نرخ بالای حق‌بیمه اجباری نیروی انسانی»، یکی از ۲۳ مولفه‌ای است که مرکز پژوهش‌ها با کارفرمایان در میان می‌گذارد و همواره نیز جزء موانع اصلی بهبود محیط کسب‌وکار، به‌شمار رفته است. در آخرین گزارش این مرکز، برآیند کلی محیط کسب‌وکار، ۶/۰۴ از ۱۰ بوده و به‌ترتیب، سه مولفه «مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها»، «ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی» و «بی‌تعهدی شرکت‌ها و موسسات دولتی به پرداخت به‌موقع بدهی خود به پیمانکاران» نامناسب‌تر از سایر مولفه‌ها ارزیابی شده‌اند. این مطالعه، میانگین وزنی شاخص «نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی» را از نظر تشکل‌های کشوری، ۶/۷۱ اعلام کرده که در رتبه ششم اصلی‌ترین موانع کسب‌وکار جای می‌گیرد و این عدد، در ۷۰ درصد استان‌ها، بالاتر از ۶/۵ است. البته ارزیابی‌ها از تأثیر این شاخص در بخش‌های مختلف، لزوما یکسان نیست. برآیند ثبت‌شده از این مولفه در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به‌ترتیب ۶/۱۱، ۶/۶۸ و ۶/۷۴ بوده که البته در هر سه بخش، رتبه ثبت‌شده برای آن، ششم بوده است.

مطابق تعریف مرکز آمار ایران، هزینه‌های تولید شامل هزینه‌های جبران خدمات مزد و حقوق‌گیری (بیمه و دستمزد و مزایا)، مالیات و عوارض پرداختی، داده‌های صنعتی (مواد خام و اولیه، ابزار و لوازم و ملزومات کم‌دوام مصرف‌شده، ارزش سوخت مصرف‌شده، ارزش برق و آب خریداری‌شده، ارزش مواد و قطعات مصرف‌شده جهت ساخت یا ایجاد اموال سرمایه‌ای و پرداختی بابت خدمات صنعتی)، تشکیل سرمایه، پرداخت‌های غیرصنعتی (دریافتیها و پرداختی‌ها بابت خدماتی از قبیل اجاره ساختمان، اجاره ماشین‌آلات، ارتباطات، مخابرات، حمل و نقل، خدمات حسابرسی و...) است.



## کتیو | ۰۳



● یادداشت ●

● محسن ریاضی ●

## ضرورت اصلاح رفتارها در تأمین اجتماعی

به‌طورکلی درباره تأثیر سازمان تأمین اجتماعی روی بازار کار کشور، دو دیدگاه مختلف وجود دارد: عده‌ای به نقش مهم و تأثیرگذار تأمین اجتماعی در بازار کار اعتقاد دارند و گروهی به ضدتولید و اشتغال‌زا بودن سازمان تأمین اجتماعی در بازار کار معتقدند. اشاره و انتقاد گروه مخالف، بر حق بیمه‌پرداختی سهم کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی است که آن را باعث افزایش هزینه‌های تمام‌شده تولید کالا و خدمات، و متعاقب آن، کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و محل تولید می‌دانند. این گروه معتقدند اگر حق بیمه‌ای در کار نباشد، قیمت تمام‌شده تولید کالا و خدمات پایین می‌آید و با بالا رفتن سرمایه‌گذاری، فروش و درآمد، میزان خلق شغل نیز بیشتر خواهد شد. موافقان نیز بر تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، روانی و امنیتی تأمین اجتماعی تأکید می‌کنند و تأمین اجتماعی را یاری‌گر اقتصاد و تولید می‌دانند. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که در خوشبینانه‌ترین حالت، سهم حق بیمه‌های تأمین اجتماعی در کل هزینه‌های تولید، به‌خصوص در صنایع کاربر، ۲ تا ۳ درصد کل هزینه‌هاست که سهمی بسیار اندک است. بنابراین مشکل را در جای دیگری باید جست‌وجو کرد. به گمان من و همان‌طور که در کتاب «بازارکار و سازمان تأمین اجتماعی» بحث کرده‌ام، معضل اصلی تولیدکنندگان در ایران، هزینه‌های مبادله‌ای تأمین اجتماعی برای کارفرمایان است. کارفرمایان ما با میزان حق بیمه‌های مشکلی ندارند. کارفرمایان مابانحوه رفتار سازمان تأمین اجتماعی مشکل دارند. ۲ یا ۳ درصد هزینه برای هیچ‌یک از کارفرمایان، مسئله نیست؛ بلکه آنها با رفتار همکاران ما در واحدهای اجرایی، نحوه محاسبه و تخصیص بدهی‌ها، نحوه عملکرد هیئت‌ها و به‌طور کلی فرآیندهای اجرایی سازمان، مشکل دارند. اینها مسائل جانبی هستند که در اقتصاد، با نام «هزینه‌های مبادله‌ای» شناخته می‌شوند. از همین منظر انتقادی بوده که برنامه‌ریزان برای حل بحران اشتغال در رابطه با سازمان تأمین اجتماعی، دو سیاست تخفیف بیمه‌ای و بازنشتگی‌های پیش‌ازمعد را در برنامه‌های توسعه‌ای اجرا کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد هیچ‌کدام از این سیاست‌ها و برنامه‌ها، نتوانسته‌اند تأثیر به‌سزایی در بازارکار کشور و در ایجاد مشاغل جدید داشته باشند. هدف اساسی تخفیفات بیمه‌ای، این بوده که شغل ایجاد شود؛ اما یکی از ویژگی‌های اصلی شغل، پایداری آن است که در هیچ‌یک از برنامه‌ها و سیاست‌های اجراشده، حاصل نشده است. یعنی مشاغل ایجادشده با کوچکترین تغییرات، از بین می‌روند. این از اساس، با تعریف اشتغال در بازارکار متفاوت است. نمونه دیگری از سیاست‌ها و برنامه‌های اشتغال‌زایی مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی، بازنشتگی‌های پیش‌ازمعد نظیر بازنشتگی در مشاغل سخت و زیان‌آور، و قانون نوسازی صنایع است. محاسبات ما حاکی از آن است که از سال ۸۱ تا ۹۳ از این راه، تنها ۴۴/۸۱۳ فرصت شغلی (۷۰۹۶ فرصت شغلی از طریق قانون نوسازی صنایع و ۳۷۷۱۶ فرصت شغلی از طریق قانون بازنشتگی در مشاغل سخت و زیان‌آور) ایجاد شده است. برای این تعداد اندک، این همه فشار به تأمین اجتماعی وارد کردند؟ آیا دولت نمی‌توانست از طریق دیگری این تعداد شغل را ایجاد کند که نه سازمان تأمین اجتماعی دچار مشکل شود و نه مشاغل ایجادشده، ناپایدار باشند؟ ضمن اینکه بررسی‌های صورت‌گرفته، بیانگر آن است که تنها ۴۴ درصد افراد جایگزین بازنشتستان در قانون نوسازی صنایع، رابطه پایدار و ماندگاری با سازمان تأمین اجتماعی داشته‌اند؛ به‌عبارتی می‌توان گفت ۵۶ درصد از مشاغلی که از طریق این قانون ایجاد شده‌اند، مشاغل موقت و ناپایدار بوده‌اند.

این نشانه‌ها، ما را به این نتیجه می‌رساند که سیاست‌های تخفیف بیمه‌ای و نیز بازنشتگی‌های پیش‌ازمعد، هیچ مشکلی از بازارکار کشور حل نمی‌کنند. نه مشاغل ایجادشده چشمگیر بوده‌اند و نه پایداری آنها رضایت‌بخش بوده است.

ادامه در صفحه ۴

تولید، در سه‌دهه اخیر، حدود ۱۰ درصد کاهش داشته است. به‌طوری‌که این سهم در سال ۷۳، حدود ۱۴/۶ درصد بوده اما در سال ۸۶ به ۸/۸ درصد کاهش یافت که این روند کاهش، تا سال ۹۲ هم ادامه داشته و به ۴/۶ درصد رسیده است. به عبارتی، طی یک دوره حدود ۲۰ ساله، ۱۰ درصد از سهم عامل نیروی انسانی در هزینه‌های تولید، کاسته شده است. بنابراین در مجموع، سهم عامل نیروی انسانی در هزینه‌های تولید، روندی نزولی داشته است.

#### ■ ایجاد تنها ۹ هزار شغل با کاهش ۵ درصدی حق بیمه‌ها

علی‌رغم آنکه بسیاری از اقتصاددان‌ها معتقدند که برای خلق فرصت‌های شغلی و دست‌یابی به رشدی اشتغال‌زا، باید در ملاحظات سطح توسعه بازرگاری صورت گیرد، دیدگاهی به‌شدت پرتطرفدار در میان کارفرمایان و البته برنامه‌ریزان شکل گرفته که منطقی‌ترین و شاید دم‌دست‌ترین راهکار رونق بازار کار و شغل را در کاهش حق بیمه‌های پرداختی به تأمین اجتماعی می‌بینند. کما اینکه چنین سیاستی، بارها در قالب سیاست‌های معافیت بیمه‌ای، به آزمون گذاشته شده و تاکنون نیز تحلیلی منصفانه از کارآمدی آن صورت نگرفته است. صحت و سقم این دیدگاه را با استناد به آمارها بررسی می‌کنیم. برای محاسبه و سنجش آثار کاهش نرخ‌های حق بیمه بر اشتغال‌زایی، در گام اول باید دید چه مقدار از منابع تأمین اجتماعی از محل حق بیمه‌ها که مهمترین منبع درآمدی و عامل حیات این سازمان است، تأمین می‌شود. به‌طور معمول، ۸۰ تا ۹۰ درصد و گاهی هم ۹۵ درصد هزینه‌های تأمین اجتماعی، از محل حق بیمه‌های وصولی است. از آنجا که تمرکز ما بر کارگاه‌های تولیدی است، مینا را بر حق بیمه‌های دریافتی از کارگاه‌ها قرار می‌دهیم و اگر این فرض خوشبینانه را در نظر بگیریم که ۸۰ درصد از درآمد حاصل از وصول حق بیمه به درآمدهای دریافتی کارگاه‌ها تعلق داشته باشد، رقم به‌دست‌آمده برای سال ۹۴، حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان است. حال اگر سه سناریوی کاهش یک، سه و پنج واحدی از سهم حق بیمه کارفرمایان را با این عدد جمع و تفریق کنیم، حجم منابع دریافتی از این کاهش سناریوها، به ترتیب ۱۰۰ میلیارد تومان، ۱ هزار و ۷۵۰ میلیارد تومان و ۱۵۰ میلیارد تومان خواهد بود. اگر فرضیات خود را ادامه دهیم و بپذیریم که منابع آزادشده، به‌طور کامل در ایجاد بنگاه و کارگاه تولیدی سرمایه‌گذاری شوند، سوال این است که چه تعداد شغل از این طریق ایجاد می‌شود؟ برای یافتن پاسخ، بد نیست نگاهی به عملکرد سال گذشته وزارت صنعت، معدن و تجارت ببندازیم. دفتر آمار و فرآوری داده‌های این وزارت‌خانه، در آماری که خردادماه امسال منتشر کرده، گفته است که سرانه ایجاد یک شغل در بخش صنعت حدود ۳۲۷ میلیون تومان است. بنابراین، با میزان منابع آزادشده در سناریوهای مختلف کاهش حق بیمه، تقریباً برای ۱ هزار و ۳۳۳ نفر شغل ایجاد خواهد شد. کافی است همین ارقام را با اهداف برنامه‌های توسعه‌ای کشور مقایسه کنید که سالانه ایجاد یک میلیون شغل را وعده داده که در بهترین حالت، تنها ۰/۹ درصد را پوشش می‌دهد. علی‌رغم این سهم اندک، در سال‌های اخیر، به تأمین اجتماعی جهت کاهش هزینه‌ها از طریق کاهش نرخ حق بیمه سهم کارفرما، فشارهای زیادی وارد شده است. اتخاذ مکرر راهکار تخفیف نرخ حق بیمه سهم کارفرما، در سیاست‌های اشتغال‌زایی دهه‌های اخیر نیز ناشی از همین طرز تفکر بوده است. تا آنجا که در سطح کلان نیز تصور می‌شود با کاهش نرخ حق بیمه، مشکلات کارفرمایان تا حد زیادی رفع می‌شود و امکان ایجاد فرصت‌های شغلی به وجود می‌آید. چنین رویکردی در عمل تنها موجب برهم‌زدن پایداری مالی سازمان تأمین اجتماعی شده است؛ سازمانی که توجه به اصول و قواعد محاسبات بیمه‌ای، اصل و شرط اولیه استمرار حیات آن شناخته می‌شود اما بعد از قریب به ۶۰ دهه، هنوز هم آزمون و خطاها با محوریت آن انجام می‌شود. آزمون و خطاهایی که حتی در موسمی که بحران صندوق‌ها وارد ادبیات رفاهی کشور شده، هنوز هم طرفداران آوناشه‌ای دارد که قائل به کاهش سهم حق بیمه‌های پرداختی هستند.



برعکس آنچه که کارفرمایان بدان اعتقاد دارند، سهم حق بیمه در هزینه‌های تولید بسیار اندک است. / طرح: وحید جعفری

#### ■ سهم ۰/۷ درصدی حق بیمه‌ها در هزینه تولید

تا اینجا مشخص شد که از دید کارفرمایان، سازمان تأمین اجتماعی یکی از عوامل اختلال‌زا در محیط کسب‌وکار محسوب می‌شود. حال سوال این است که این ذهنیت تا چه اندازه بر واقعیت منطبق است. برای بررسی این موضوع، نگاهی به نتایج طرح آمارگیری مرکز آمار از وضعیت «کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر» در سال ۹۳ می‌اندازیم و از آن رو که مطالعه مجزایی از سهم هزینه‌های بخش‌های دیگر (کشاورزی و خدمات) انجام نگرفته است، به‌ناچار ارزیابی خود را به این بخش، منحصر می‌کنیم. هزینه‌های پرداختی کارفرمایان به تأمین اجتماعی، در دو شاخص «جبران خدمات مزد و حقوق‌گیران» و «سایر هزینه‌های پرداختی» قرار می‌گیرد که با توجه به ساختار حاکم بر حقوق و دستمزد، اقلام مشمول حق بیمه و با استناد به ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی و تبصره‌های آن، سهم حق بیمه کارفرمایان، ۲۳ درصد مجموع مزد و حقوق و سایر پرداختی‌ها (پاداش، اضافه‌کار، هزینه ایاب و ذهاب، حق اولاد و...) است. داده‌های مرکز آمار ایران از تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، نشان می‌دهد که تا پایان سال ۹۳ تعداد ۱۴۴۵۲ کارگاه صنعتی با ۱ میلیون و ۳۰۹ هزار کارکن فعالیت داشته‌اند و ۱۳۳ هزار و ۲۳۶ میلیارد تومان ارزش افزوده ایجاد کرده‌اند. براساس نتایج طرح، ارزش تولیدی این کارگاه‌ها در سال یادشده بالغ بر ۵۱۰ هزار و ۵۶۶ میلیارد تومان بوده که نسبت به سال قبل از آن، ۲/۸ درصد رشد داشته است. علاوه بر این، ارزش سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته در این کارگاه‌ها و در این سال، ۱۴ هزار و ۱۱۴ میلیارد تومان بوده که در این شاخص نیز رشدی ۲۵/۱ درصدی به‌ثبت رسیده است. بررسی جبران خدمات پرداختی کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، حاکی از آن است که در این سال، ۲۸ هزار و ۸۲۳ میلیارد تومان، به‌منظور جبران خدمات،

#### ■ کاهش ۱۰ درصدی هزینه نیروی انسانی

مسئله مهم دیگر، در زمینه سهم عامل نیروی انسانی از هزینه‌های تولید و بررسی روند این سهم، در سنوات گذشته است. براساس آمارها، سهم نیروی انسانی از هزینه‌های

در آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، میانگین وزنی شاخص «نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی» از نظر کارفرمایان، در رتبه ششم موانع کسب‌وکار بوده است.

تجزیه و تحلیل داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد که کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، مبالغ پرداختی کارفرمایان به تأمین اجتماعی، به‌طور متوسط ۰/۹ هزینه‌های تولید را تشکیل می‌دهد که بسته به سرمایه‌یا کاربر بودن کارگاه‌ها، از ۰/۵ تا ۴/۸ درصد در نوسان است.

پژوهش

۶۶